خبر

بارش برف امسال ۸۸ درصد کمتر شد

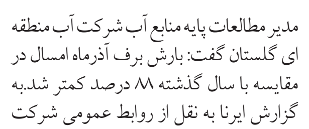

مدیر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه ای گلستان گفت: بارش برف آذرماه امسال در مقایسه با سال گذشته ۸۸ درصد کمتر شد.به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی شرکت آب منطقه ای گلستان، حسن فرازجو اظهار داشت: آذر سال قبل بارش برف ثبت شده در ایستگاه برف سنجی دراز نو ۷۶ سانتی متر بود اما امسال این رقم به ۹ سانتی متر کاهش یافت. ایستگاه درازنو، شاخص برف سنجی گلستان است که از سال ۱۳۸۵ عملیات میدانی برف سنجی توسط شرکت آب منطقه ای در ایستگاه مذکور انجام می شود.بارش برف در حوضه ها برای تغذیه منابع آب های سطحی و زیرزمینی به عنوان یک منبع پایدار به شمار می رود که ذوب تدریجی آن باعث تداوم آب رودخانه ها، چشمه ها و قنوات شده و درفصول خشک مورد استفاده قرار می گیرد.

«»

کشف ۱۵ هزار لیتر گازوییل قاچاق در گلستان

جانشین فرماندهی انتظامی گلستان از کشف ۱۵ هزار لیتر گازوئیل قاچاق در گلستان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه خبری پلیس، مسعود فروزان نیا اظهار کرد: ماموران انتظامی گرگان از یک کامیون ۱۵ هزار لیتر گازوییل قاچاق کشف کردند. وی افزود: این میزان گازوییل در ۶ تانکر در یک کامیون جاسازی و روی آن کاه و کلش ریخته شده بود. فروزان نیا با بیان این که مقصد کامیون حامل گازوییل استان کرمان بود، افزود: ارزش ریالی این میزان گازوییل ۵۰ میلیون تومان است. وی بیان کرد: کامیون توقیف و راننده کامیون هم پس از تشکیل پرونده تحویل مقام قضایی شد.

«»

کشف بیش از ۱۳ تن مواد مخدر طی ۹ ماهه نخست ۹۷ در گلستان

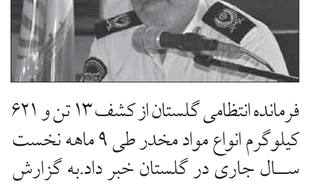

فرمانده انتظامی گلستان از کشف ۱۳ تن و ۶۲۱ کیلوگرم انواع مواد مخدر طی ۹ ماهه نخست سال جاری در گلستان خبر داد.به گزارش مهر به نقل از پایگاه خبری پلیس، سردار علی اکبر جاویدان اظهار کرد: طی ۹ ماهه نخست سال جاری با تلاش های بی وقفه مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر، بیش از ۱۳ تن و ۶۲۱ کیلوگرم انواع مواد مخدر از قاچاقچیان کشف که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۴۱ درصد افزایش داشته است.وی با اشاره به این که ۹ تن و ۳۷۶ کیلوگرم تریاک و یک تن و ۹۴۱ کیلوگرم حشیش در این مدت کشف شده، افزود: در این عملیات ها مأموران، ۸۳ قاچاقچی مواد افیونی را دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای انجام مراحل قانونی به مراجع قضائی تحویل دادند.جاویدان با بیان این که طی این بازه زمانی ۳۱ باند تهیه و توزیع مواد افیونی منهدم شد، خاطرنشان کرد: پلیس گلستان با اشراف کامل بر محورها و مناطق مختلف استان، عرصه را بر سوداگران مرگ تنگ کرده است.

«»

تشکیل کمیته رفع خطر از مدارس در گلستان

دادستان عمومی و انقلاب مرکز گلستان از تشکیل کمیته رفع خطر از مدارس در گلستان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل گلستان، حجت الاسلام سید رضا سیدحسینی اظهار کرد: کمیته رفع خطر از مدارس ناایمن استان تشکیل شد. وی افزود: اعضای این کمیته یک ماه فرصت دارند از مدارس این شهرستان بازدید و ایرادهای فنی، بهداشتی و عوامل خطرساز را شناسایی و به دادستانی ارائه کنند. سیدحسینی ادامه داد: سازمان نظام مهندسی استان، آتش نشانی، اداره بهداشت، سازمان نوسازی مدارس و معاونت عمرانی فرمانداری‌ها و شهرداری‌های تابعه هستند و دادستان هم به عنوان مدعی العموم و متولی این کمیته در موضوع رفع خطر از مدارس هستند. طبق گفته وی جلوگیری از تکرار حوادث تلخ در مدارس استان، هدف از تشکیل این کمیته است.

تورهای آفرود در گلستان جولان می‌دهند

بازار داغ سوء استفاده کنندگان از گردشگری موجب جولان تورهای آفرود در گلستان شده تا طبیعت استان زیر چرخ خودروهای دو دیفرانسیل له شود. به گزارش مهر، این روزها بازار تورهای آفرود داغ بوده و گلستان با طبیعتی بکر به مقصد هیجان انگیزی برای آفرودسواران تبدیل شده است.در این میان برخی فرصت طلبان هم با سوء استفاده از نام آفرود و گردشگری به محیط زیست و منابع طبیعی گلستان آسیب می‌زنند، برگزار کنندگان تورهایی که بدون اطلاع و حتی مجوز از دستگاه‌های نظارتی خودروهای دو دیفرانسیل خود را وارد عرصه‌های زیست محیطی استان کرده تا به قیمت آسیب زدن به آن هیجان بیشتری را تجربه کنند.

۶۰ درصد تورهای آفرود در گلستان غیر بومی هستند

دبیر هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری گلستان معتقد است، آژانس‌های برگزار کننده تورهای آفرود در استان اکثرا غیر مجاز هستند و از شهرهای دیگر می‌آیند. مرتضی عباسی می‌گوید: ۶۰ درصد تورهای آفرود در استان مربوط به آژانس‌های غیر بومی است که اکثرا از استان‌های تهران، البرز و سمنان به گلستان می‌آیند و از منابع آن استفاده می‌کنند بدون اینکه سودی عاید استان شود. وی ادامه می‌دهد: شرایط به گونه‌ای شده که هر فردی با تهیه خودروی دو دیفرانسیل بدون آنکه اطلاعی از چالش‌ها و تخریب محیط زیست و منابع طبیعی داشته باشد، اقدام به برگزاری تور آفرود می‌کند و ۱۵۰ هزار تومان تا ۳۰۰ هزار تومان هم از هر مسافر می‌گیرند و در نهایت دردسر آن برای هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری است. عباسی با بیان اینکه چالش اصلی ما در کنار آسیب زدن به محیط زیست و منابع طبیعی خودرویی است که این آژانس‌ها برای تورهای آفرود انتخاب می‌کنند، می‌گوید: این آژانس‌ها در هر صورت مجوز می‌گیرند و سپس با عنوان «آفرود هیجان انگیز» تبلیغ می‌کنند اما بدون اینکه آموزشی دیده باشند و خودروی آنها برای آفرود استاندارد باشد مسافران را به این تورها می‌برند. وی اضافه می‌کند: متاسفانه چندی پیش یکی از همین خودروها در منطقه جهان نما واژگون شد و چند نفر آسیب دیدند که در نهایت آژانس جوابگوی حوادث نبوده و اینجا خاطره بد از اسم آفرود می‌ماند و پیکان اتهامات هم به سمت هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری می‌چرخد.

بی تفاوتی دستگاه‌های نظارتی گلستان به برگزاری تورهای آفرود غیرمجاز

دبیر هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری گلستان با بیان اینکه این هیئت دارای کمیته سافاری و آفرود است، می‌گوید: فعالیت‌های گردشگری ورزشی به طور قانونی زیر نظر کمیته گردشگری ورزشی هیئت همگانی است که ما با آنها تفاهم نامه داریم و با چند آژانس مذاکره کرده‌ایم که برای برگزاری تور آفرود با هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری مکاتبه کنند تا با اخذ مجوز، خودروی استاندارد آفرود در اختیار آنها قرار دهیم. عباسی اضافه می‌کند: راننده‌های آفرود هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری گلستان آموزش دیده و قابل اعتماد هستند که کارت عضویت دارند و ما هم قبل از برگزاری برنامه با محیط زیست و منابع طبیعی مکاتبه می‌کنیم تا برای رفت و آمد از مسیرها راهنمایی بگیریم. وی عنوان می‌کند که دستگاه‌های نظارتی استان نسبت به برگزاری تورهای آفرود غیرمجاز در گلستان بی تفاوت هستند و می‌گوید: بارها دیده شده که حدود ۵۰ خودرو در قالب تور آفرود وارد منطقه جهان نما می‌شوند و هیچ کسی نیست به آنها بگوید کجا می‌روید.

لزوم نظارت بیشتر معاونت گردشگری اداره کل میراث فرهنگی گلستان

نظارت نکردن بر فعالیت تورهای آفرود در گلستان موضوعی است که رئیس انجمن صنفی راهنمایان گردشگری استان هم به آن اشاره می‌کند.یحیی جلالی فر می‌گوید: گلستان به دلیل داشتن طبیعت بکر و جذاب و کمبود نظارت، مورد توجه آژانس‌های برگزار کننده تورهای آفرود قرار گرفته و این آژانس‌ها با مجوز به گلستان می‌آیند اما آسیب‌های زیادی به محیط زیست و منابع طبیعی استان وارد می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: بسیاری از این تورها فقط از نام آفرود سوء استفاده می‌کنند در حالی که خودرو و راننده آفرودی وجود ندارد و با سیستم‌های صوتی خود به طبیعت بکر استان صدمه می‌زنند، آنها نمی‌دانند چه قدر به طبیعت آسیب می‌زنند و فقط به دنبال ایجاد هیجان هستند. جلالی فر آفرود را ورزشی می‌داند که برای آن مسیر تعبیه شده و می‌گوید: نمی‌توان این ورزش را از گردشگران و مسافران گرفت اما می‌توان آسیب‌ها را به حداقل رساند و نیاز است تا معاونت گردشگری اداره کل میراث فرهنگی گلستان نظارت بیشتری روی این موضوع داشته باشد.وی یادآور می‌شود: اداره کل محیط زیست استان حساسیت بیشتری نسبت به اداره کل میراث فرهنگی دارد و معاونت گردشگری وظیفه دارد تا نظارت بیشتری روی تورهای آفرود داشته باشد.

گزارشی تحت عنوان تور آفرود غیر مجاز نداشته‌ایم

اما معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان عنوان می‌کند که ما فقط بر تورها نظارت می‌کنیم و بر آنهایی که خارج از قالب تور هستند، نمی‌توانیم نظارت کنیم. احمد تجری می‌گوید: اگر این تورها وارد مناطق حفاظت شده محیط زیست شوند به طور مشخص اداره محیط زیست باید بر آنها نظارت کند و نظارت خارج از آن بر عهده ماست. وی ادامه می‌دهد: تا کنون گزارشی تحت عنوان تور آفرود غیر مجاز نداشته‌ایم و اگر در جریان قرار بگیریم حتما به این موضوع ورود خواهیم کرد.

از ورود تورهای گردشگری به مناطق حفاظت شده جلوگیری کرده‌ایم

ورود به مناطق حفاظت شده محیط زیست به استثنای جاده‌های عمومی ممنوع است. امیر عبدوس مدیرکل محیط زیست گلستان با بیان این مطلب می‌گوید: تورهای گردشگری در قالب‌های مختلف برای تردد در جاده‌های عمومی نیاز به مجوز ندارند اما نمی‌توانند وارد مناطق حفاظت شده شوند. وی ادامه می‌دهد: در جریان برگزاری تورهای گردشگری در گلستان هستیم و هر زمان که گزارشی به دست ما رسیده از ورود آنها به مناطق حفاظت شده جلوگیری کردیم و آنها هم مسیر خود را تغییر دادند.وی اضافه می‌کند: تا کنون اتفاقی رخ نداده و هر زمان که شاهد ورود تورهای گردشگری به مناطق حفاظت شده باشیم برخورد خواهیم کرد. با توجه به رونق تورهای آفرود در کشور و گلستان که به عنوان یک ورزش رسمی ثبت شده نمی‌توان از برگزاری آن جلوگیری کرد، اما نیاز است دستگاه‌های نظارتی استان تعامل بیشتری با هیئت اتومبیلرانی و موتورسواری و کمیته گردشگری ورزشی هیئت ورزش‌های همگانی گلستان داشته باشند تا برگزاری این تورها سر و سامان بگیرد و شاهد کمترین آسیب به محیط زیست و منابع طبیعی استان باشیم.

سالانه ۲۷۰ هزار تن مرغ در گلستان کشتار می شود

مدیر صنایع تبدیلی و غذایی سازمان جهادکشاورزی گلستان گفت: سالانه ۲۷۰ هزار تن مرغ پرورشی تولید شده استان کشتار و روانه بازار می شود. عید محمد فاروقی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: همچنین سالانه ۳۶ هزار تن مرغ زنده از استان روانه بازار استان های دیگر می شود.به گفته وی در این استان ۱۵ واحد کشتارگاه صنعتی طیور دارای پروانه بهره برداری با سرمایه گذاری ۸۰۰ میلیارد ریالی مشغول فعالیت است.وی اضافه کرد: این کشتارگاه های صنعتی طیور در استان برای یک هزار و ۲۰۰ نفر فرصت شغلی ایجاد کرد. فاروقی به مشکلات کشتارگاه های استان اشاره کرد و گفت: بیشتر مشکلات کشتارگاه های صنعتی طیور استان، کمبود سرمایه در گردش، کاهش تولید مرغ و افزایش قیمت قطعه های ماشین کشتارگاهی است. طبق گزارش اسفند ماه ۹۶ معاونت بهبود تولید دامی جهادکشاورزی گلستان، این استان ۹۶۶ مزرعه پرورش مرغ گوشتی با ظرفیت بیش از ۲۸ میلیون قطعه در سال دارد که ۷ درصد ظرفیت کشوری را شامل می شود. براساس این گزارش؛ ارزش تولیدات این صنعت در استان افزون بر ۲۱ هزارمیلیارد ریال است که بیش از ۳۰ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی گلستان را شامل می شود. واحدهای مرغداری، صادرات مرغ و فرآورده های آن، توسعه صنایع تولید خوراک طیور، مرغ مادر، جوجه یکروزه و مزارع پرورش نیمچه گوشتی به عنوان سرمایه مطلوبی در حوزه تولید، تجارت و صادرات این صنعت در گلستان است. به گفته کارشناسان صنعت طیور گلستان، اقلیم مناسب، استفاده از تکنولوژی در پرورش، کمتر بودن تلفات پرورش (۴ درصد درگلستان و میانگین کشوری ۹ درصد)، پایین بودن دوره پرورش (۴۳ روز در گلستان و میانگین کشوری ۵۱ روز) و ارائه تسهیلات بانکی و سرمایه در گردش از دیگر امتیازات پرورش طیور این استان به شمار می رود.

۲۰ سامانه هوشمند ثبت تخلفات در جاده‌های گلستان وجود دارد

مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان گفت: ۲۰ سامانه هوشمند ثبت تخلفات در جاده های گلستان وجود دارد.مهدی میقانی در گفتگو با مهر اظهار کرد: به منظور افزایش ایمنی عبور و مرور، بخش های عمده ای از محورها اصلی و بزرگراهی استان به کمک سیستم های هوشمند حمل و نقل کنترل و نظارت می شود. وی افزود: گلستان پنج هزار کیلومتر راه دارد که ۷۰ درصد آن راه روستایی و مابقی راه اصلی و بزرگراه است. میقانی گفت: در گلستان ۵۲ سامانه ترددشمار برخط داریم که به لحظه کل تردد شبکه راه ها را به ما اعلام می کند.وی با بیان این که نصب دوربین های کنترل سرعت و تخلفات به امنیت جاده ها هم کمک می کند، اضافه کرد: در حال حاضر در گلستان ۲۰ سامانه ثبت تخلفات را داریم و نقطه یابی ۱۷ سامانه جدید انجام شده است. میقانی با اشاره به این که ۴۸ نقطه پرتصادف در گلستان شناسایی شده، بیان کرد: ۲۰ بریدگی غیرایمن استان توسط راهداری و شرکت ساخت ایمن می شود.وی با اشاره به پرتردد بودن محور توسکستان گفت: در حال حاضر یک دوربین نظارتی در شاهکوه گرگان نصب است و برای ایمن سازی این محور پرحادثه نیازمند پنج الی ۶ دوربین هستیم.رئیس پلیس راه گلستان هم اظهار کرد: از تجهیزات الکترونیکی در راه ها هر چه بیشتر استفاده شود بالطبع ایمنی هم بالاتر می رود. سرهنگ علی عبدی ادامه داد: دوربین ها تخلفات را ثبت کرده و مبلغ جریمه توسط پیامک به رانندگان اعلام خواهد شد. وی گفت: از ۱۸ مهرماه امسال حدود ۴۲ هزار و ۸۸۶ فقره تخلف توسط دوربین ها در سطح محورهای مواصلاتی استان ثبت شده است.

» آگهی‌های ثبتی

آگهی تغییرات شرکت ماهر سازان تقی آباد سهامی خاص

به شماره ثبت ۷۳۲۶ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۶۰۱۸۹ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۰۶/۰۹/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -آقای محمد فرمانی بشماره ملی ۲۱۲۰۴۴۴۹۹۴ بسمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و- آقای علیرضا منتظر ظهور بشماره ملی ۲۰۳۲۱۵۹۵۵۴ بسمت رئیس هیئت مدیره و-خانم مریم قربانی بشماره ملی ۲۱۲۱۶۲۶۱۳۱ بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و خانم طیبه احمدی بشماره ملی ۲۳۹۱۷۵۰۰۹۹ بسمت عضو هیئت مدیره و-آقای مهیارمهینی بشماره ملی ۲۱۲۱۷۷۷۷۴۱ بسمت عضو هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب گردیدند . کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و همچنین سایر نامه های عادی و اداری با امضاء منفرد مدیرعامل آقای محمد فرمانی همراه با مهر شرکت معتبر خواهدبود.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری گرگان -شناسه آگهی ۳۳۵۲۹۳

آگهی تغییرات شرکت ماهر سازان تقی آباد سهامی خاص

به شماره ثبت ۷۳۲۶ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۶۰۱۸۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۰۶/۰۹/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : اعضای هیئت مدیره برای مدت دوسال به شرح ذیل انتخاب گردیدند . آقای محمد فرمانی بشماره ملی ۲۱۲۰۴۴۴۹۹۴ و آقای علیرضامنتظر ظهور بشماره ملی ۲۰۳۲۱۵۹۵۵۴ -وخانم مریم قربانی بشماره ملی ۲۱۲۱۶۲۶۱۳۱ و خانم طیبه احمدی بشماره ملی ۲۳۹۱۷۵۰۰۹۹ - و آقای مهیارمهینی بشماره ملی ۲۱۲۱۷۷۷۷۴۱
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری گرگان -شناسه آگهی ۳۳۵۲۹۱

آگهی تغییرات شرکت مهندسی انتقال قدرت گلستان سهامی خاص

به شماره ثبت ۵۰۲ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۴۹۹۲۲ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۲۱/۰۹/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - خانم فرشته بهشتی راد دارای کد ملی ۲۲۶۸۹۱۷۲۴۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمد پاکدامن دارای کد ملی ۲۲۶۹۸۱۹۴۷۹ به سمت نائب رئیس و مدیرعامل . و آقای سیدمهدی نصرتی دارای کد ملی ۲۲۶۹۴۵۸۲۹۱ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و نامه های اداری با امضاء منفرد فرشته بهشتی راد همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و نامه های اداری با امضا منفرد محمد پاکدامن همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری علی آباد گرگان-شناسه آگهی ۳۳۴۰۳۹

آگهی تغییرات شرکت مهندسی انتقال قدرت گلستان سهامی خاص

به شماره ثبت ۵۰۲ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۴۹۹۲۲ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۲۰/۰۹/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - اعضای هیات مدیره عبارتند از آقای محمد پاکدامن دارای کد ملی ۲۲۶۹۸۱۹۴۷۹ و خانم فرشته بهشتی راد دارای کد ملی ۲۲۶۸۹۱۷۲۴۱ و آقای سید مهدی نصرتی دارای کد ملی ۲۲۶۹۴۵۸۲۹۱ که تا تاریخ ۱۲/۳/۱۳۹۹ انتخاب گردیدند. آقای سعید ملک حسینی به شماره ملی ۲۲۶۹۴۳۳۹۸۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای حسین زنگانه به شماره ملی ۲۲۶۹۸۶۲۰۲۳ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. -روزنامه کثیرالانتشار گلشن مهر جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری علی آباد گرگان-شناسه آگهی ۳۳۴۰۳۶

آگهی تاسیس شرکت سهامی خاص پویش تامین آتیه بندر ترکمن

در تاریخ ۱۰/۰۷/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۱۵۵۶ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۸۶۹۱۱۰ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :کلیه فعالیتهای بازرگانی ، خدماتی ، اداری ، نظافتی، گمرکی از قبیل صادرات و واردات ، تایپ و تکثیر ، حفظ و نگهداری فضای سبز شهری -ادارات، عقد قرارداد و مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در کلیه امور فوق، شرکت در مناقصات و مزایده ها ، اخذ وام و اعتبار از کلیه بانکها و موسسات معتبر داخل و خارج از کشور ، اخذ و تاسیس نمایندگی از ادارات و شرکت ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی داخل و خارج از کشور در کلیه موارد در صورت لزوم پس از اخذ مراجع ذیصلاح درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی :استان گلستان -شهرستان ترکمن -بخش مرکزی -شهر بندرترکمن-محله شهرک فرهنگیان-خیابان فرهنگ[بهشت ۱۷]-بن بست فرهنگ ۳-پلاک ۰-صفرمحمد گل-طبقه همکف- کدپستی ۴۸۹۱۸۸۴۹۳۳ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۲۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۲۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲۹۷۳۴۲ مورخ ۰۲/۰۷/۱۳۹۷ نزد بانک رفاه کارگران شعبه بندر ترکمن با کد ۳۴۳ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره آقای محمد امین کر به شماره ملی ۲۱۲۲۶۴۶۶۵۹ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای حلیم بردی کلته به شماره ملی ۲۲۳۹۷۴۲۷۳۹ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای عزیز آنابائی به شماره ملی ۶۲۸۹۲۲۵۶۹۳ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر میباشد اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان آقای خدای بردی کرقارقی به شماره ملی ۶۲۸۹۸۴۹۵۴۹ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی آقای عبدالحکیم کر قارقی به شماره ملی ۶۲۸۹۹۰۶۶۶۶ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار گلشن مهر جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری بندر ترکمن -شناسه آگهی ۳۳۳۷۷۳

آگهی ابلاغ اجراییه پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۱۱۷۲ اداره اجرای اسناد رسمی گرگان طبق مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به آقای تورج همدانی فرزند ایرج ش ش ۲۳۴۴۵ صادره از گرگان کدملی ۲۱۲۰۲۳۴۱۵۹ به عنوان ضامن به آدرس گرگان و خانم شهربانو چوری فرزند صفرعلی ش ش ۳۶۶ کدملی ۲۲۶۹۱۷۷۸۱۹ به عنوان وام گیرنده به نشانی گرگان پرونده اجراییه کلاسه فوق ابلاغ می گردد که بانک سپه گرگان به استناد قرارداد داخلی به شماره ۱۷۹۱۱۸۳۶۷ _ ۹۱/۴/۲۸ جهت وصول طلب خود مبادرت به صدور اجراییه علیه شما و آقای عبدالرضا فرخی بعنوان ضامن را نموده و طلب خود را به شرح موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۱۵۱/۸۳۴/۶۲۹ ریال کل طلب تا پایان تاریخ ۹۷/۸/۱ و از این تاریخ به بعد روزانه ۵۰۲۵۰ ریال به مبلغ فوق افزوده می شود در ضمن اصل طلب مبلغ ۷۳/۲۳۱/۵۶۱ ریال و خسارت تاخیر تادیه ۶۴/۵۳۳/۲۲۸ ریال و سود ۱۴/۰۶۹/۸۴۰ ریال اعلام نموده است و چون طبق گواهی مامور ابلاغ امکان ابلاغ اجراییه به علت مورد شناسایی قرار نگرفتن میسر نگردیده و بستانکار نیز طبق نامه وارده شماره ۱۱۷۸۹ _ ۹۷/۱۰/۹ درخواست درج آگهی در روزنامه را نموده لذا مراتب مفاد اجراییه به شرح فوق با درج یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار در اجرای مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا آگهی می گردد چنانچه پس از ابلاغ اجراییه که ده/۱۰ روز پس از تاریخ انتشار محسوب می شود نسبت به تعهد خود عمل ننمایید حسب درخواست بستانکار عملیات اجرایی پیگیری می گردد و جزاین آگهی دیگری جهت ابلاغ اجراییه صادر نخواهد شد.
مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان _نعمت اله عظیمی پور _۲۳۱۷ م الف

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

جمع آوری دام های هوایی زنده گیری پرندگان در تالاب گمیشان

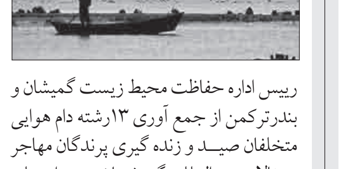

رییس اداره حفاظت محیط زیست گمیشان و بندرترکمن از جمع آوری ۱۳رشته دام هوایی متخلفان صید و زنده گیری پرندگان مهاجر در تالاب بین‌المللی گمیشان خبر داد. علی بیانی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: در این ماموریت که در نیمه شب گذشته انجام شد، دام های هوایی به طول بیش از یکهزار و ۳۰۰ متر و چندین علمک دام از مناطق حاشیه ای تالاب که استراحتگاه کلونی های پرنده های کنار آبزی و آبزی و مهاجر است، جمع آوری شد. وی ادامه داد: با شناسایی و رصد مامورین محل های استقرار دام های هوایی مشخص و قبل از گرفتار شدن پرندگان، این دامها معدوم گردید. جمع آوری و معدوم سازی دام های هوایی نیازمند پایش پیاده محیط‌بانان در مناطق کم عمق و باتلاقی تالاب است به نحوی که گاه ماموران مجبور به ۲۰ کیلومتر پیاده روی برای جمع آوری این تورها می شوند. حدود ۴۵ کیلومتری شمال غربی گرگان (مرکز استان گلستان) و در حوزه شهرستان گمیشان آبگیر گسترده ای با نیزارهای انبوه قرار دارد که به نام تالاب بین‌المللی گمیشان معروف است.تالاب بین المللی گمیشان یک زیستگاه منحصر به فرد با وسعت بیش از ۲۰هزار هکتار است که ۱۴ هزار هکتار آن جزو مناطق شکار، صید و تیراندازی ممنوع سازمان حفاظت محیط زیست است.

«»

۳۰ عملیات تروریستی از ابتدای انقلاب در گرگان انجام شده است

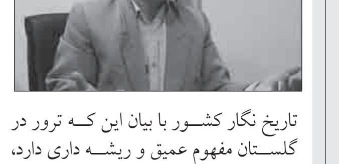

تاریخ نگار کشور با بیان این که ترور در گلستان مفهوم عمیق و ریشه داری دارد، گفت: از ابتدای انقلاب تاکنون ۳۰ عملیات تروریستی در گرگان انجام شده است. به گزارش مهر، غلامرضا خارکوهی در مراسم افتتاح دفتر شهدای ترور در فرمانداری گرگان، اظهار کرد: ترور در گلستان مقوله عمیق و ریشه داری دارد و باید در این زمینه تحقیق کامل و اساسی صورت بگیرد. وی افزود: گلستان شهدای ترور زیادی را در مواجهه با تروریست ها از دست داده و ما باید در این زمینه اقدامات فرهنگی انجام دهیم.خارکوهی ادامه داد: گلستان دارای مردمانی ارزشمند و علاقه‌مند انقلاب بوده و از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون بارها مورد حمله تروریست های ضد انقلاب قرار گرفته است.وی گفت: از روز بعد از پیروزی انقلاب، استان در منطقه گنبدکاووس و ترکمن صحرا مورد تهاجم گروه تروریست و ستاد خلق ترکمن که هر دو کمونیست بودند، واقع شد.خارکوهی تصریح کرد: به طوری که این دو گروه طی یک سال از بهمن سال ۵۷ تا ۵۸ دو جنگ نظامی علیه ایران را شروع کردند.وی بیان کرد: جنگ اول ۱۰ روز طول کشید و بین جنگل اول و دوم ۱۰ ماه فاصله بود اما در این مدت هم اختلاف افکنی ها وجود داشت.خارکوهی گفت: شعار آنها دموکراسی برای ایران خودمختاری برای ترکمن صحرا بود.وی افزود: زمان جنگ اول سپاه پاسداران وجود نداشت و همچنین دستگاه محکم نظامی نداشتیم و مردم به صورت خودجوش از شهرهای دیگر برای دفاع می‌آمدند.خارکوهی تصریح کرد: طی این دو جنگ هزاران نفر از مردم گنبد و ترکمن صحرا آواره و زخمی شدند و حدود ۶۰ نفر هم به شهادت رسیدند.وی بیان کرد: تروریست ها در کردستان، بلوچستان، خوزستان، آذربایجان، لرستان و مناطق دیگر فعال بودند.خارکوهی تأکید کرد: ۳۰ عملیات تروریستی در گرگان انجام شد و حدود ۱۵ نفر هم شهید شدند.

»
گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵
۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

خارج از صفحه

۱۳ میلیون دلار ارز آوری میگوی گلستان

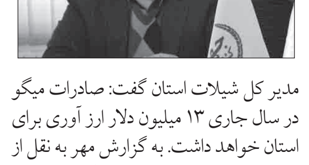

مدیر کل شیلات استان گفت: صادرات میگو در سال جاری ۱۳ میلیون دلار ارز آوری برای استان خواهد داشت. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل شیلات گلستان، سید جواد قدس علوی اظهار کرد: امسال تولید میگو در گلستان ۶۵ درصد رشد داشته و به بیش از دو ۵۰۰ تن رسیده است که از این میزان بالغ بر ۸۰ درصد آن صادر می شود. وی افزود: صادرات میگو استان نسبت به سال گذشته ۵۵ درصد رشد داشته است که این امر نقش بسزایی در رشد صادرات غیر نفتی استان دارد. قدس علوی با بیان این که امسال برای نخستین بار صادرات میگو از مرزهای استان انجام می گیرد، خاطرنشان کرد: علی رغم مشکلات موجود در حوزه حمل و نقل، تلاش داریم سطح صادرات از طریق کریدور ریلی ایران_ترکمنستان _ قزاقستان را افزایش دهیم و بیش از پیش در بازارهای روسیه و چین حضور داشته باشیم.مدیر کل شیلات گلستان در پایان گفت: مرز اینچه برون می تواند به عنوان مسیر صادرات میگوی جنوب به آسیای میانه و حتی اروپا، با امنیت بیشتر و هزینه کمتر مطرح باشد.

«»

ایمنی مدارس بندرگز زیر ذره بین دادستان قرار گرفت

با هدف پیشگیری از وقوع حوادث ناگوار، ایمنی مدارس بندرگز زیر ذره بین دادستان قرار گرفت. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل گلستان، با هدف بررسی و پیشگیری از وقوع حوادث ناگوار، ایمنی مدارس شهرستان بندرگز با حضور دادستان این شهرستان بررسی شد. دادستان بندرگز در این بازدید، سازمان نظام مهندسی بندرگز را مکلف کرد که ظرف یک ماه از همه مدارس این شهرستان بازدید و میزان خطرات احتمالی هر مدرسه را با جزئیات ارائه کنند. محمد طالبی چاری گفت: در این بازدید، کارشناسان موارد خطرساز را شناسایی و بلافاصله اقدامات لازم برای رفع خطر را انجام دادند. وی افزود: مدرسه توحید این شهرستان به گفته کارشناسان به دلیل فرسودگی باید در کوتاه ترین زمان ممکن تخلیه شود که در همین راستا به مسئولان آموزش و پرورش دستور برای تخلیه این مدرسه داده شد. طالبی چاری در این بازدید همچنین نظام مهندسی شهرستان بندرگز را مکلف کرد یک ماهه مدارس این شهرستان را بررسی و موارد خطرساز را با جزئیات هر مدرسه به دادستانی ارائه کنند. وی تاکید کرد: سهل انگاری هایی که جان دانش آموزان را به خطر می اندازد قابل چشم پوشی نیست و با مدیران متخلف در این بخش برخورد می شود.

«»

دفتر شهدای ترور در گرگان افتتاح شد

با حضور مدیرعامل انجمن دفاع از قربانیان ترور و فرماندار گرگان دفتر شهدای ترور در گرگان افتتاح شد. به گزارش مهر، با حضور فرماندار گرگان و مدیرعامل انجمن دفاع از قربانیان ترور، دفتر شهدای ترور در گرگان به عنوان دفتر امید در گرگان افتتاح شد.این دفتر نخستین شعبه انجمن در کشور است که در گلستان افتتاح می شود. مدیریت دفتر بر عهده جانی هزاررودی است و اقداماتی از قبیل شناسایی شهدای ترور، تهیه عکس، چاپ کتاب و برگزاری همایش های مختلف را انجام خواهد داد. فرماندار گرگان در این مراسم اظهار کرد: شهدای ترور مظلومانه و گمنام به شهادت رسیدند، آن ها خدمات گسترده و عمیقی را به کشور ارائه داده و دشمن بسیار هوشمندانه و زیرکانه از اقصا نقاط دور دنیا آن ها را شناسایی کرد.ابوالقاسم صفوی با بیان این که این دانشمندان در زمینه انرژی هسته ای حماسه ها فراوانی، خلق کردند. افزود: دشمن از غفلت ما استفاده کرد و این بزرگ مردان را از کشور گرفت. وی ادامه داد: دشمن کوردلانه، ناجوانمردانه و بی رحمانه این شهدا را در مقابل چشم خانواده هایشان به شهادت رساند.صفوی تأکید کرد: جایگاه والای آن ها زمانی که برای خانواده مشخص شود تلخی هجران برای آن ها سخت تر است.وی افزود: امیدواریم بتوانیم به درستی اهداف شهدا را دنبال کنیم و موجبات شادی و آرامش و آسایش مردم را به بهترین نحو ممکن کنیم و شرمنده شهدا نباشیم.صفوی تأکید کرد: مشکلاتی در جامعه وجود دارد اما با خدای خود عهد بستیم که این میزها و مسئولیت ها هیچ اهمیتی برای ما نداشته باشد مگر این که فرصت خدمت به مردم را دهد.

نیم نگاهی به فرهنگ نامه فندرسک

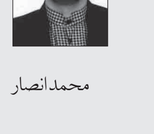

محمد انصار

فندرسک از بخش‌های مهم استان گلستان است. مردم این منطقه با گویش خاصی سخن می گویند که به گویش فندرسکی معروف است. در این گویش،واژه‌ها و کنایه‌های خاصی هست که کمتر در سایر نقاط ایران شنیده شده است. متأسفانه این گویش روبه رو فراموشی است، لذا ضروری بود که این واژه‌ها در جاییثبت و ضبط شوند.با همین هدف، عیسی جعفری و همسرش شهربانو جعفری کلوکن، کتابی با نامفرهنگ نامه فندرسک نوشتند کهدر سال ۱۳۸۴ در شش بخش و ۳۰۵ صفحه در قطع وزیری بوسیله انتشارات مختومقلی فراغی گرگان به چاپ رسید. آنها فرهنگی بازنشسته و ساکن شهر خان به بین هستند. این اثر اولین کار قلمی آنها بود .

فرهنگنامه فندرسک، اولین کتاب مستقل درباره لهجه‌های محلی موجود در استان گلستان و نیز اولین کتابی است که درباره منطقه فندرسک نوشته شده است. از این رو بسیار ارزشمند است. اماموضوع کتاب بدون پیشینه هم نیست، زیرا مرحوم رجب غفاری توران، موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد خود را (ساخت آوایی گویش فندرسکی) انتخاب کرد. وی در رشته زبان شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد تحصیل می‌کرد. در سال ۱۳۶۹ توانست از پایان نامه‌اش دفاع کند. نویسندگان کتاب فرهنگنامه فندرسک به این اثر ارزشمند اشاره‌ای نداشتند، احتمالاً از وجود آن بی خبر بودند.کتاب از نظر چاپی و محتوایی، ضعیف است. فقط با اندک فرصتی که داریم می توانیم این مطلب را اثبات کنیم. مثلاً کیفیت چاپ و فونت تایپ مناسب نیست. حتی با اصول صحیح تایپ نشده است. ناشر می‌توانست با کوچک کردن فونت و تنگ شدن فاصله خطوط، از حجم کتاب بکاهد.عنوان کتاب با محتوا همخوانی ندارد. فرهنگنامه فندرسک عنوان بزرگ و عام است، ولی محور اصلی این کتاب، بررسی واژگان فندرسکی است. البته کتاب، عنوان دوم و کوچکتری با نام (واژه‌های محلی منطقه فندرسک) دارد که بهتر بود همین نام، برای عنوان کتاب انتخاب می‌شد.در بخش‌های ابتدایی کتاب، به تشریح حدود، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، پیشینه، وجه تسمیه، نژاد و اخلاق، عقاید و آداب و رسوم، پوشاک و به طبیعت فندرسک و معرفی مجموعه آبشارهای شیرآباد می‌پردازد.در بخش ششم واژه‌ها و اصطلاحات را همراه با نشانه‌های فنوتیک و تعیین نوع کلمه از نظر اسم، صفت، مصدر و... می آورد. به طوری که می‌توان گفت که در این مجموعه قریب ۲۵۰۰ واژه و اصطلاح آمده است. آوردن مطالب بخش‌های ابتدایی، ضروری نبود بلکه آوردن مطالب فنی درباره گویش، لهجه، زبان و ... ضروری بود که به آن اشاره‌ای نشده است.از عنوان بزرگ کتاب (فرهنگنامه) انتظار یک اثر ویرایش شده را داریم، اما مسائل ابتدایی ویرایش مانند جدا نویسی یا سرهم نویسی رعایت نشده است. مثلاً بر روی صفحه عنوان کتاب، دو کلمه (ویژگی-مکان) جمع بسته شده که اولی متصل و دومی غیر متصل شده است. برای نگارش واژه منطقه، یکبار از علامت (ء) و بار دیگر از علامت (ی) استفاده کرده است.

از دیگر نقایص کتاب، این است که نویسنده حد و مرز کاری خود مشخص نکرده که آیا می‌خواهد تلفظ واژه‌ها را به گویش محلی فندرسکی بگوید؟ یا این که واژه‌های محلی منطقه فندرسک را فهرست نویسی کند؟ از طرفی، برخی واژگانی را آورده که مختص منطقه فندرسک نیستند، بلکه در تمام نقاط ایران شایع و رایج است مانند: آتیش، باجناق، بار، باردار، بارش، برآر، پا به ماه، تاراج، تبار، چشم همچشمی، خاک به سر، خانه نشین، خام شدن، خدا و...

کنایات و ضرب المثل های فندرسک بیش از آن چیزی است که در این کتاب آمده است. اگر کسی می‌خواهد در این باره بیشتر بداند باید به کتاب پند پیران اثر معصومه برزمینی مراجعه نماید.

در پایان به برخی از واژه‌های خاص فندرسک همراه با معانی آنها اشاره خواهیم کرد:آشدله (دانه‌های برنج)، ازون سری (سحر)، پَلّه (نصف)، آغر (طرف)، بذگر (گذشتن)، بَسنی (هوو)، سبا (فردا)، تانکه (شورت)، جینگرک کَلّه (آدم نامرتب)

پژوهشگر

گفتگو با علی بایزیدی؛ پژوهشگر تاریخ و روزنامه نگار

در جستجوی هویت تاریخی با احیای نام های جغرافیایی باستانی

محمد چراغعلی: ماجرای انتخاب یک روز به عنوان «روز گرگان»، مبحثی است که ریشه در حدود یک دهه قبل دارد. اسفند سال ۱۳۸۸ و اعلام گزینه های پیشنهادی شورای شهر وقت و در نهایت تصویب روز بیستم شهریور به عنوان این روز. اما پس از ۶-۷ سال اجرای برنامه های مختلف و ایجاد وقفه ای ۲-۳ ساله در برنامه ها و جشن های روز گرگان (به دلیل تقارن با ماه محرم و صفر)، برخی منتقدان خاص که از گرایش های فکری سیاسی - اجتماعی متحدی برخوردار بودند، ۲۰شهریور را کأن لم یکن کرده و رأی به روز پنجم آذر دادند. اینکه آیا پنجم آذرماه می تواند جایگزین مناسبی برای ۲۰شهریور باشد یا نه، مقوله ای است که باید جداگانه به آن پرداخت، اما در این میان علی بایزیدی، مخالف شماره ی یک انتخاب روز بیستم شهریور، که البته به نوعی از منتقدان پنجم آذر نیز می باشد، در این گفتگو پیرامون نقدها و مخالفت های خود با روز بیستم شهریور پرداخته و پیشنهادات جالبی هم برای حفظ و اشاعه ی تاریخ گرگان زمین دارد.

شما از منتقدان انتخاب روز ۲۰شهریور به عنوان روز گرگان هستید. علت چیست؟

اول این نکته را بگویم که بنده اولین منتقد علنی و مستند این روز هستم و از اسفند سال ۱۳۸۸، یعنی درست از زمانی که شورای اسلامی شهر گرگان، مد نظر داشت تا یک روز به عنوان «روز گرگان» نامگذاری کند. نسبت به این موضوع نقد داشتم. نقد بنده در خصوص چرایی انتخاب نبود، زیرا که شهر تاریخی گرگان (استرآباد) یکی از شهرهای طبیعی و تاریخی و تأثیرگذار در طول تاریخ علم و ادب ایران زمین بوده و هست. نقد بنده درمورد گزینه های انتخاب بود. از فهرست رخدادهای تاریخی عنوان شده، دو مورد ارتباطی به شهر گرگان نداشت: «روز ورود ابوعلی سینا به شهر گرگان» و «تصویب استان شدن گلستان» و در میان موارد دیگر بدترین گزینه ی ممکن، تغییر نام استرآباد به گرگان یعنی بیستم شهریور ۱۳۱۶ بود که دست آخر، همین روز انتخاب شد و از سال ۱۳۸۹ روزی را که از نظر بنده باید عزا گرفت، جشن می گیریم.

چرا عزا؟

زیرا یکی از تاریخی ترین و ریشه ای ترین نام های این سرزمین، یعنی نام استرآباد، که به قول مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبایی، قدمتش از دوران پرستش عشتاروت در آسیای غربی نیز فراتر می رود به ناگهان از پهنه ی نقشه های جغرافیایی ایران رخت بر بست و به دست فراموشی سپرده شد و تمامی نامداران این شهر که تا پیش از سال ۱۳۰۵ و راه افتادن ثبت احوال و صدور سجل برای مردم ایران و انتخاب نام خانوادگی، به انتساب شهرها شناخته می شدند، به ناگهان دچار یک فترت تاریخی و جغرافیایی شدند و در این زمان که هشتاد سال از این تغییر نام می گذرد، مجهول المکان هستند.

چه کسی یا چه کسانی و چرا نام استرآباد را به گرگان تغییر دادند؟

این حرکت به دستور رضاشاه پهلوی صورت گرفت. در سفری که رضاشاه در سال ۱۳۰۵ به منطقه مازندران و گرگان داشت، در سفرنامه ای که به خامه ی سپهبد فرج الله بهرامی به رشته ی تحریر درآمده، می توان به این مهم پی برد. رضاشاه در دیدار از برج تاریخی گنبد قابوس بن وشمگیر می نویسد:« چون "گرگان" نام تاریخی و اسم قدیم این ناحیه است، امر دادم بههیئت دولت ابلاغ نمایند، که "استرآباد" را بعد از این، بهنام قدیمی و تاریخی این ناحیه "گرگان" بنامند، زیرا مدتهاست که این اسم، از این دشت و ناحیه، منتزع و متروک مانده است». البته اولین بار این اتفاق در سال ۱۳۱۱ حادث شد. در فرمانی به تاریخ اول دی ماه، که در روزنامه ی اطلاعات نیز آمده است. حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه، نام منطقه استرآباد و صحرا به گرگان و دشت تغییر داده شد. در واقع از آن تاریخ به بعد به مرور نام استرآباد از السنه و افواه (دهان ها و زبان ها) افتاد تا جایی که عملا در از سال ۱۳۱۴ به بعد ما نامی از استرآباد در کتب و مطبوعات و نشریات نمی-بینیم. در واقع ۲۰شهریور ۱۳۱۶ و تصوییبه فرهنگستان، بیشتر یک اقدام صوری بود تا عملی. امیدوارم این آخرین آثار به جای مانده از دوران ستمشاهی نیز به یمن تصمیم نظام متعالی جمهوری اسلامی به بهترین شکلی ترفیع شود.

در خصوص چرایی این اتفاق، درست است که رضاشاه عملاً احیای نام تاریخی گرگان را به عنوان دلیل مطرح کرده اما داستان این است که در آن دوران بحث از میان بردن نام های عربی از یک طرف، حرکت های به ظاهر ملی گرایانه از دیگر طرف، اندیشه های تجددطلبانه و ساختارشکنانه ی شاه پهلوی از طرف دیگر، همگی موجب گردید تا این دست اتفاقات بیفتد.

احیای نام تاریخی گرگان، امر مثبتی بود لکن با بی دانشی و بی تدبیری و عدم تسلط و اشراف تاریخی موجب شد تا این نام نود کیلومتر به غروب آفتاب نزدیک تر شود. نام گرگان به شهر باستانی ویران شده ی گرگان تعلق داشت و در بهترین حالت باید به شهر گنبدقابوس تعلق می گرفت اما چنین نشد و گنبدقابوس هم یک سال بعد در تیرماه ۱۳۱۷ به گنبدکاووس تغییر داده شد تا بی اطلاعان از تاریخ، امیر شمس-المعالی قابوس بن وشمگیر زیاری را به خاطر نام عربی اش ترجمه به کاووس کنند و تاریخ آل زیار را به کیانیان پیوند دهند.

خب از آن اتفاقات هشتاد سال می گذرد. مردم دیگر به این نامها عادت کرده اند. یعنی این تغییر نامها اینقدر اهمیت دارد که سبب شد شما در ایام برگزاری روز و هفته گرگان، بیانیه ای با عنوان «احیای نامهای تاریخی و مسئله هویت» با امضای بالغ بر پنجاه نفر از فعالان فرهنگی استان منتشر کنید؟

این یک مسئله ی ساده نیست. ببینید شما در هر شهری از شهرهای بزرگ و مشهور این سرزمین پرگهر که تشریف ببرید به خوبی متوجه می شوید که یاد مفاخر و مشاهیر و دانشمندان و ادبا و علماء چقدر مهم است و مردم آن شهر و دیار به این نام ها افتخار می کنند و نام آنها زینت بخش کوچه ها و خیابان ها و اماکن عمومی است. بخش اعظمی از شهرت یک شهر به همین پیشینه ی تاریخی و مشاهیر و مفاخرش بر میگردد. شیراز را خواجه حافظ و سعدی و دیگران شیراز کرده اند، تبریز را خواجه همام و ستارخان و باقرخان، اصفهان و رشت و مشهد و قزوین و کاشان و یزد و همدان و... نیز به همین ترتیب.

حال ما با این همه استرآبادی و جرجانی که در این روزگار به هیچ موقعیت جغرافیایی مشخصی منتسب نیستند چه باید بکنیم؟

بگذارید یک مدل دیگر تشریح کنم: الان حدود ۱۰-۱۵ سال شاید هم بیشتر است که بر سر نام همیشگی و زیبای خلیج تا ابد فارس و مداخله ی غربی ها و نام ساختگی خلیج عربی مباحثات زیادی می شود. چقدر کمپین تشکیل شده است. در سایت گوگل، رای گیری می-شود، خلاصه یک جریان و جریان بازی منطقه ای به راه افتاده است و بگذریم که استعمارگران اروپایی و آمریکایی با چه نیات شومی به دنبال دامن زدن به این مسائل هستند لکن برای ما ایرانی ها این نام بسیار بااهمیت است چرا که تاریخ پیشینه و سابقه و قدمت این نام از نخستین روزهای تمدن بشری بوده و هست و خواهد بود. در واقع هر نام داری، به نامش شناخته می شود، تاریخ و تاریخچه اش در می آید. مورد بررسی قرار می گیرد. نتیجه اینکه تغییر یک نام، می تواند سالیان سال و قرن ها تاریخ و پیشینه ی یک نامدار را دچار خدشه کند. تحت تأثیر قرار دهد. بی رنگ کند.

خب حالا گیریم که این تغییرات به همان نام های اولیه بازگردانده شد، چه تأثیری بر مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... دارد؟

هر واحد انسان، وقتی به ژرفای تاریخ و پیشینه و افتخارات شهر و دیارش واقف شود، با انگیزه و غرور بیشتری کار می کند. جایگاه و شخصیت فرهنگی خود را بیش از پیش و بهتر از قبل حفظ می کند. در واقع هر انسانی که با استعدادهای خدادادی اش دارای پتانسیل های رشد و توسعه و تعالی در حوزه های علمی، هنری، ادبی و... است وقتی از پیشینه و تاریخ منطقه اش مطلع باشد با انگیزه بیشتری مسائل را دنبال می کند، تعهد بیشتری در خود و وجدان خود احساس می کند، توقع بیشتری از خودش پیدا می کند، چرا همچنان در همان شهرهای مشهور قدیم که نام بردم، وضعیت دنیای علم و فرهنگ و هنر و ادب، پیشرفته تر است و همان ها حرف اول و آخر را در این حوزه ها می-زنند، نمی خواهم بگویم صرفا بسته به این تاریخ دارد اما قطعا از عوامل اصلی و اساسی است. جامعه ای که تاریخ غنی تری دارد، فرهنگ و تمدن در آن ریشه دارتر است، قطعا در راه توسعه و پیشرفت، قوی تر عمل می کند. پس من روشنفکر، من آگاه، من اهل رسانه، موظفم و متعهدم که این گسست تاریخی، این فترت ناخواسته و اجباری تاریخی را حل کنم.

در یکی از مقالاتتان خواندم که گفتید: نام اصلی و همیشگی شهر تاریخی جرجان، در اصل گرگان بوده و اصلا هیچ گاه جرجان نبوده است. پس چرا تمایل به نامگذاری شهر گنبد به نام جرجان دارید.

به نکته جالبی اشاره کردید. ببینید نام شهر باستانی و تاریخی حوالی گنبدکاووس که الان به جرجان خوانده می شود، در اصل و از ابتدای تمدن بشری، گرگان بوده است. لکن پس از سرنگونی پادشاهی ساسانی و ورود اسلام به ایران و علمی شدن زبان عربی در دنیا، که در واقع زبان دنیای علم در قرون چهارم تا هشتم هجری، زبان تازی و عربی بوده است نتیجتا نویسندگان آن عهد، به ویژه مورخان و جغرافی نویسان و تذکره نویسان مخصوصا آنها که از مناطق عراق، سوریه، مصر، یمن، شام و... به نگارش سفرنامه، کتب جغرافی و تاریخ مبادرت می کردند، نام گرگان را به علت نبود حرف گاف، جرجان نوشته اند و میزان این منابع از منابع فارسی زبان خیلی بیشتر است. پس از نابودی شهر تاریخی گرگان(جرجان)، و از میان رفتن شهروندان آن شهر، آنچه در قرون بعدی برای امثال ما ماند، نام جرجان بود که در منابع مکتوب دیده می شود، و نام های بی شمار جرجانی که در تذکره نامه ها و تواریخ ماندند و به ما رسیدند. یعنی درست است که نام جرجان، نام اصلی و اساسی آن شهر نبوده و نیست، لکن نامی است که از قرن سوم هجری تا عصر حاضر در تمامی منابع و مآخذ تاریخی، ذکر شده و بالغ بر هزار شخصیت برجسته ی تاریخی با نام و پسوند جرجانی شناخته می شوند. خب به نظر شما ما باید چه کنیم؟ ریشه ی هزار و دویست ساله ی این نام در متون تاریخی، و شخصیت های منتسب به آن، موجب می شود که ناچار شویم از این نام عربی شده بهره بگیریم. در واقع با احیای نام استرآباد برای شهر گرگان فعلی، نام جرجان برای گنبدکاووس و نام گرگان برای استان گلستان، همه ی نام های تاریخی احیا می شوند و هیچ نامی منتزع نمی ماند.

تاکنون چه اقدامات عملی ای در این زمینه انجام داده اید؟

ما به اتفاق تعدادی از فعالان فرهنگی گنبد، فرهنگسرای جرجان زمین را به عنوان یک تشکل فرهنگی - تاریخی راه اندازی کرده ایم. این تشکل، در تلگرام هم کانال دارد هم گروه. ما چند جلسه برگزار کرده ایم. به یک سری هماهنگی ها و رویکردهای مشترک رسیده ایم. من با این دوستان دیداری با امام جمعه محترم و فعال شهر گنبد هم داشتیم و مطالب و مقاصدمان را به ایشان منتقل کردیم. با برخی اصحاب رسانه هم صحبت هایی داشته ایم. همین مصاحبه بنده با شما نیز از جمله ی این اقدامات بوده است. در نشریه استاربادا هم که بنده مدیرمسئول آن هستم، به انعکاس مطالب خواهیم پرداخت.اما اینها اقدامات دست و پا شکسته بوده است. در حال حاضر کمی جو عمومی و مردمی در گیر و دار انتخاب شهرداری و استانداری است. ما برنامه ریزی های لازم را کرده ایم و اقدامات قانونی و عملی طی ماه های آینده صورت خواهد گرفت و قطعا رسانه ی شما در وهله ی نخست خبری قرار خواهد داشت.

سفری به گذشته، به همراه شاعری که رخت از این دیار بر کشید

اما چه زود ؟!

سالی گذشته بود و من از غم غربت در شهری خلوت، اما برای من زیبا، رَسته بودم . کلاس و مدرسه ، کتاب ، اشتیاق خواندن ، نقاشی و تب کشیدن نقشها و آفریدن چهره هایی هرچه همانندتر با مدل ، دیگر مرا رها نمی کردند . نمباره های روح افزا ، زندگی در این شهر را هر چه دلنشین ترمی کرد . درآغاز بهار آن سال پرویز رضایی حرفهایش را در باره ی « ولتر » سر کلاس گفته بود . سخنانش چنان بر مغز و جانم دویده بود که بر آن شدم هر طور شده کتابی از ولتر را به چنگ آورم . در یک غروب زیبا با نمبارشی مطبوع با او همراه شدم ، با سیدحسینی همکلاسیم . سرحرف را که باز کردم ، گفتگو آغاز شد . از پهلو که نگاهش می کردم پیش از همه بینی عقابی اش نظرم را جلب کرد و بعد چانه ی کوتاهش که اندکی به جلو می خمید . صورتش را که به سویم بر می گردانید چشمان سیاهش در دو سوی بینی عقابی اش که اندکی نزدیک به هم نشسته بود ، از سر هوشیاری دو دو می زد . من که حرف می زدم ، نگاهش گاه به زمین و گاه به دور دست پیاده رویی بود که به جلوی نمای با شکوه سینمامولن روژ کشیده می شد . من آن خلوتی را بسیار دوست می داشتم . با صدایی بم و اندکی ، خشک ، شمرده شمرده حرف می زد و گاه پایانجمله اش را با خنده ای ریز و ناگهانی پایان می داد . در باره ی او چیز زیادی نمی دانستم ، تنها خبر داشتم که پدرش نانوایی دارد و دستشان به دهانشان می رسد تا آنجا که حتیمی توانست « شلوار میخی » [به نخستین نسل شلوارهای لی و رانگلر می گفتند] بخرد و بپوشد . شلوارهایی کهبرای آن روزگار خیلی هم گران بود . من که توان خریدش را نداشتم ، با تحسین به سر لباس و شلوار سیاه او با آن میخهای برنجین پرچ شده نگاه می کردم . ضیا داشت از کتاب حرف می زد . نمی دانم چرا ! شاید هم بخاطر روزنامه دیواری هایم بود که با هزار آرزو و خون دل می نوشتم و یا نقشه هایی از جهان که برای خودشان بی مانند بودند و توی کلاس و راهرو دیوارهای لخت را می پوشانیدند . حرفش از کتابهای فراوانش بود که در خانه داشت . به خودم جرآت دادم تا از او در باره ی کتابهای ولتر بپرسم در عین ناباروری ، پس از اندکی درنگ با همان فشار [اکسان] های گویش گرگانی ها ، خاطرم را آسوده کرد که ساده دل ولتر را دارد . بی مهابا از او پرسیدم ، می توانم این کتاب را از او بگیرم ، با خنده ای گفت ، خانه مان را بلدی ؟ که می دانستم ، اول خیابان سرخواجه بود . دو روز بعد کتاب را گرفتم و چون غنیمتی در گوشه ای از اتاق باز کردم نشستم و شروع کردم به خواندن ، اما خواندنش چندان هم راحت نبود . مترجم کتاب ؛ محمد قاضی که بعد ها شناختمش ، همه ی توان خود را به کار گرفته بود تا در باره ی هر آدم و مکان یا هر واژه ی فرانسوی آمده در متن که ممکن بود برای خواننده ی فارسی زبان ، گنگ باشد ، پانوشتی بیاورد . درمانده بودمکه چکنم ؟ روز بعد که دیدمش ، در باره ی موضوع پانوشته های فراوان برایش حرف زدم ، گفت ؛ خب می توانی یادداشت برداری ! و من هم ، همه را در دفتر ۲۰ برگی نوشتم که خود کتابی شد پرارزش برای من که تازه گام در جهان کتاب گذاشته بودم . باز گرداندن ساده دل برایم دشوارمی آمد . من جسارت کرده ، کتاب کسی را گرفته بودم که جایگاه ویژه ای نزد همدرسانمان داشت ، آنهم در رشته ادبی . او شعر می گفت و شاعر کلاس ما بود . ساعتهای درس رضایی بویژه درس انشاء زمانی بود برای گوش سپردن به شیرین سروده های ضیا سید حسینی که با صدای بلند و مردانه می خواند ؛» بستر کوچه زآواز گسست و شب آغاز شد از پنجره ها ....» در این هنگام بود که پرواز خیال انگیز من در میان ترکیبهای واژگانی آغاز می شد . بچه های کلاس از زبان بی پروای او لذت نهانی می بردند و گاه برای برخی واژگان و ترکیبها با شیطنت می خندیدند . بیشتر برای اینکه ، چگونه و با چه جسارتی چنین واژگان و ترکیبهای برهنه ، از زبان یک دانش آموز در حضور معلم و همدرسان ، بیرون می آید و من شگفت زده به چهره ی پرویز رضایی نگاه می

کردم تا مگر در جایی فرمان ایست را به شاعر بدهد که چنین نمی شد و می دانستم که آقای رضایی برایهمه ی آنهاتوضیحی خواهد داد ، در زبانی ادیبانه و پوشیده .به هر روی بر آن شدم ، کاری در خور برای این بخشندگی بکنم توان مالی ام آناندازه خراب بود که حتی امکان خرید کتابی بسیار ارزان چون کتابهای سیمرغ (از انتشارات امیر کبیر) را هم نداشتم که ۱۰یا ۱۲ ریال بیشتر قیمت نداشتند . بنابراین همه ی توانم را بکار گرفتم تا تصویری را از ولتر برایش بکشم که توی خود کتاب چاپ شده بود . ورقه ای کاغذ فیل نشان از دفتر نقاشی ام جدا کردم . میزی در کار نبود .برروی زمین نشستم ، زیر دستی ام پشت سینی مستطیل برنجی از لوازم آشپزخانه مادر بود . برروی کاغذ خم شدم و مداد نوک تیز ، نرم و پر رنگ سوسمار را روی کاغذ بردم و کار را شروع کردم که اتفاقاً خوب هم از آب درآمد . وقتی جلوی خانه شان ، دم در ، کتاب را دادم و به هوای برگ زدن از برای نمایش سالم بودن امانت ، عکس ولتر را به دستش دادم . از دیدن عکس ، چشمان سیاهش درخشید و خنده ی شیرینی در پی آن ، دوستی دراز دامنی را آغازید که به درازی عمری بود . ضیا هر از گاه در راه بازگشت از دبیرستان ابن سینا به خانه مان ، شعرهایش را برایم می خواند و می داد تا بنویسم که هنوز هم آن دفتر را از سال ۱۳۴۳ دارم و هر بار با خواندن شعرهایش اورا از آنسوی زمان فرا می خوانم تا در کنارم بنشیند و با صدای خودش باز خوانی کند . دست روزگار چنین نقش زد که پس از جدایی یکساله در سال آخر دبیرستان یکبار دیگر مادر دانشکده با هم روبه رو شدیم . حالا او چهره ای شناخته برای همگان شده بود و من ضیا را دورادور تحسین می کردم . افت و خیزهای تب آلود آن سالها ما را از هم دور و دورتر ساخت تنها شعرهایش این فاصله ها را می شکست . در سال ۱۳۵۱ در پادگان شیراز ، هم خدمت شدیم . پس از گرفتن درجه ی افسری وظیفه ، در آن زمستان بسیار سرد و پر برف همدیگر را گم کردیم شاید او در شیراز مانده بود . چند دهه گذشت ، بسیار از هم دور شده بودیم . بسیاری از آدمها را که می شناختم چهره دگر ساخته بودند ، اما او سر پیمانش با شعر مانده بود . این را خوب می دانستم و پیشتر پایمردی اش را در پهنه ی اجتماعی دیده بودم . سرانجام در دهه ی ۸۰ نشان او را در زادگاهش یافتم شاید این بدعهدی روزگار بود که او را از میدان سخن به کناری کشانده بود . حال در گرگان بودم رفته بودم تا خروج اش از انزوای نا سرودن را نظاره کنم . ساعتی از روزگاران سپری شده گفت و گفتم تا میهمانان آمدند . تحریریه و یاران گاهنامه ی چلیکا آمده بودند تا او را به میدان همیشگی اش که سخت خالی می نمود ، فرا خوانند . تا بسراید و باز آوای شعری خود را برسپیدی کاغذ پژواک دهد و می دانستم این حنجره ی برنای هنر دیگر هیچگاه از سرودن باز نخواهد ماند .

در پایان نشست یکی از سرودهایش را که خواند ، برخاستم به پاس همه ی آنچه از او و سرودهایش در گوش جان داشتم و باز آمدنش به سرزمین سُرایش ، بوسیدمش ، بی آنکه بِدانم واپسین دیدار با ضیا آن یار مهربَان دبستانی است و امروز تنها آغاز یکی از شبانه هایش مرا تسلی می دهد تا نگریم ؛ « آسمان با بغض سنگینش درون دشت میترکد ... « .

یادش گرامی و نامش ماندگار